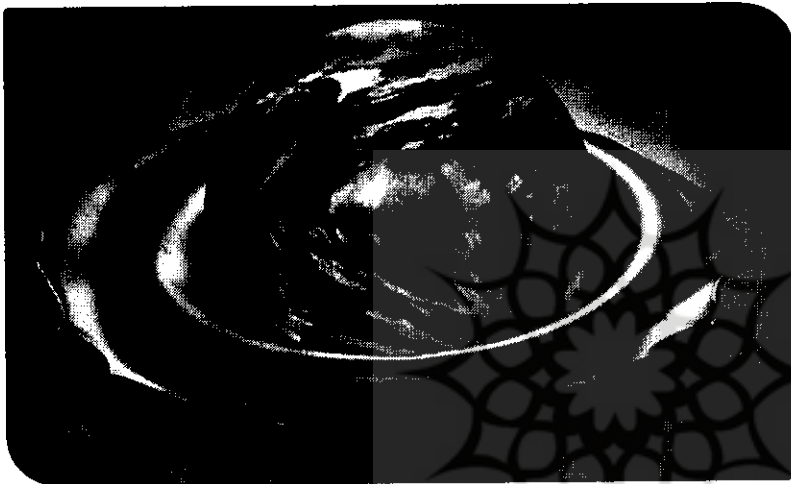


مقاله

فردا خیلی دیر است

اقتصاد صنعت نفت، به جای اقتصاد تجارت نفت



شاید یکی از دلایل پیروزی اوپاما در امریکا - با مشارکت چشمگیر جوانان، دانشگاهیان و آرای الکترال بی نظیر - قیمت بالای بنزین بود، چرا که تاکنون سابقه نداشت مردم امریکا برای هر گالن بنزین بیش از ۴ دلار بپردازند. اوپاما در فرایند مبارزات انتخاباتی خود عزم راسخ خویش را برای «انرژی جایگزین» اعلام کرد. وی همچنین گفت باید وابستگی امریکا به لحاظ انرژی به خاورمیانه کاسته شود، در آمد نفت خاورمیانه از یک سو به جیب دیکتاتورهای رود و از سوی دیگر صرف تقویت تروریسم می شود. پیش از او جورج بوش نیز ۴ میلیارد دلار برای انرژی جایگزین تخصیص داد.

جان مک کین رقیب انتخاباتی اوپاما نیز مطلب مهمی را بیان کرد: در صورت پیروزی، کاری خواهیم کرد که برای دستیابی به انرژی مجبور نباشیم ارتش خود را به این سو و آن سو دنیا گسیل داریم، بنابراین باید به سوی انرژی جایگزین برویم. در کتاب رؤیای برتری امریکایی نوشته جورج سوروس و همچنین در بیان برزیسکی، آل گور و رئیس بانک مرکزی و وزیر خزانه داری امریکا آمده است که هدف از حمله به عراق در درجه اول دستیابی به نفت، ارزانی و ثبات آن است. امریکاطی این سالها هزینه واردات روزی ۱۳ میلیون بشکه نفت را می پرداخت که اثر منفی زیادی در تعادل پرداخت های آن کشور داشت. در این راستا بود که اوپاما گفت از یک سو امریکایی ها باید پول نفت گران را به اعراب بدهند و از سوی دیگر پول کالاها و وارداتی را به چین بپردازند، این در حالی است که هم اعراب و هم چین در مقابل امریکا قرار دارند.

رکود بی سابقه ای که در پایان سال ۲۰۰۸ به طور رسمی اعلام شد به این روند شتابی فوق العاده بخشید، تنها در ماه دسامبر ۲۰۰۸، ۵۳۰ هزار و در ماه ژانویه ۲۰۰۹، ۳۵۰ هزار نفر در امریکا بیکار شدند.

بنابراین «انرژی جایگزین» و «ایجاد اشتغال» غیر قابل تفکیک تلقی شد و اوپاما روی آن اصرار داشت که با انرژی جایگزین در دو سال اول برای یک میلیون

نفر اشتغال ایجاد خواهد شد. شاید بتوان گفت یکی از دلایل ارزان شدن نفت، عزم راسخ اوپاما برای انرژی جایگزین و ایجاد اشتغال بود. به این معنا که کمپانی های بزرگ نفتی که در این چند سال سود سرشاری از بالا رفتن قیمت نفت به دست آورده بودند با سرازیر کردن ذخیره های استراتژیک و ذخیره های ناشی از بورس بازی به بازار، قیمت نفت را پایین آوردند تا رقیب تازه ای برای نفت پیدا نشود و انرژی جایگزین صرفه اقتصادی نداشته باشد، چرا که اندیشه جایگزین کردن انرژی وقتی قوت می گیرد که قیمت یک بشکه نفت بالا باشد. تا به لحاظ اقتصادی به صرفه گردد.

حال این پرسش برای ملت، دولت و منافع ملی ما مطرح می شود که آیا رفتن به سوی انرژی جایگزین به هر منظور که باشد (موازنه پرداخت های امریکا، عدم وابستگی به کشورهای عرب مسلمان، مخالفت با دیکتاتوری، مخالفت با تروریسم، حل مسئله ر کوریکاری، پیشگیری از بدنام شدن ارتش امریکا و تلفات ناشی از آن و یأس و خود کشی ها و...) به نفع ماست یا به زیان ما؟ در توضیح باید گفت در

در راستای منافع ملی باید پرسید چرا ما در دستیابی به «انرژی جایگزین» تعلل می ورزیم؟ حتما باید مخازن زیرزمینی نفت ما تخلیه شود و آن گاه تکنولوژی «انرژی جایگزین» را از امریکا بگیریم و به لحاظ انرژی به آنها وابسته شویم؟ فردا خیلی دیر است

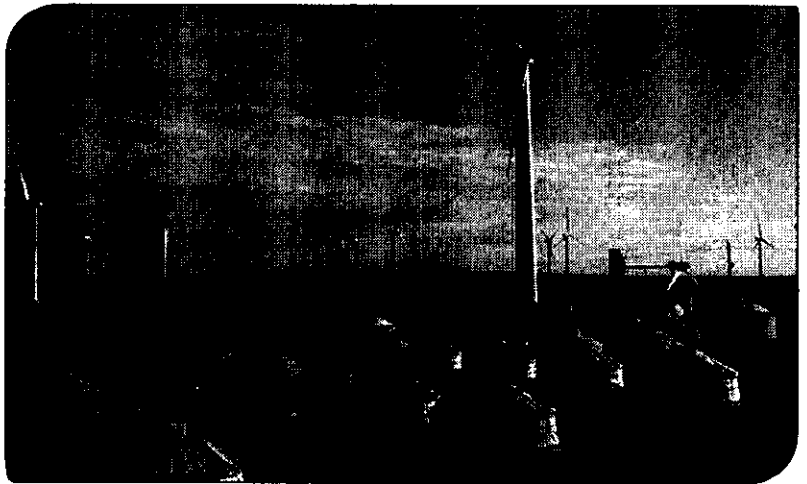
رؤسا جهاد بزرگ خود را این می دانستند که قیمت نفت را پایین نگه دارند تا مبادا این ممر درآمد کاهش یافته باقطع شود.

این رؤسا با تولید بی رویه از مخازن به هیچ وجه به فکر رفتار مخازن زیرزمینی حفاظت و صیانت آن نبودند، برای نمونه تولید بی رویه از مخزن بزرگی چون قاوار در عربستان سعودی به حدی است که هر بشکه نفت تولیدی ۵۰ درصد آب نمک دارد، ولی باز هم به این عملکرد ادامه می دهند و در این راستا نمونه های دیگری در کشورهای دیگر هم وجود دارد. حتی یک بار در دهه ۵۰ پادشاه عربستان گفت ما باید با نفت ارزان، تمدن خداپرست غرب را در برابر شوری الحادی و بی خدا تقویت کنیم.

چهار، آن که روند انرژی جایگزین و استفاده از نور خورشید باعث می شود که مخازن نفت و گاز ما دست نخورده تر باقی مانده و به قیمت بالاتری فروش رود.

پنجم، این روند فرصتی به ما می دهد که نفت را از رویکرد تجاری به رویکرد صنعتی تبدیل کنیم و اقتصاد صنعت نفت را جایگزین اقتصاد تجارت نفت کنیم. لازمه فروش نفت برای کشور ما برتری دریایی و هوایی در خلیج فارس و دریای عمان است که باید برای این برتری میلیاردها دلار صرف هزینه های دفاعی و نظامی کنیم که در صورت رویکرد به اقتصاد صنعت نفت شاید منتفی شود.

در پایان و در راستای منافع ملی باید پرسید چرا ما در دستیابی به انرژی جایگزین تعلل می ورزیم؟ حتماً باید مخازن زیرزمینی نفت ما تخلیه شود و آن گاه تکنولوژی انرژی جایگزین را از امریکا بگیریم و به لحاظ انرژی به آنها وابسته شویم؟ فردا خیلی دیر است.

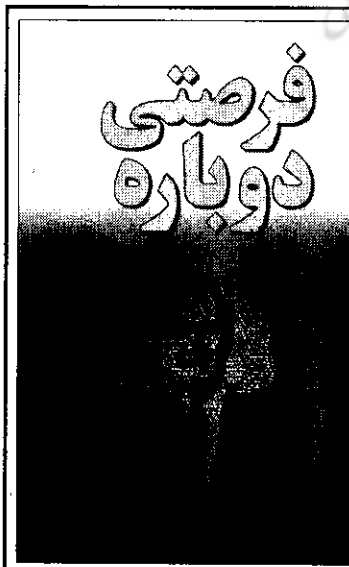


روند انرژی جایگزین باعث می شود که بشریت بی به ارزش یک بشکه نفت بیرون نتیجه آن می شود که قیمت واقعی نفت بالا رود و این قیمتی نیست که دچار نوسان شود. بر اساس این قیمت واقعی می توان چشم انداز توسعه پایدار را ترسیم کرد و این در حالی است که در ۱۰۰ سال گذشته هیچ فرمول علمی ای برای تعیین قیمت نفت وجود نداشته و قیمت نفت در اثر چانه زدن میان تولید کننده و مصرف کننده در میان این دو، دلالاتی به نام کمپانی نفت همواره در حالت نوسان بود و زبان کنندگان اصلی، کشورهای تولید کننده نفت بوده اند که در مقاله های زیادی به این مطلب پرداخته شده است.

گفتنی است که طی چندین دهه، یکی از شگردهای کمپانی های نفت این بوده که رؤسای کشورهای تولید کننده نفت را با مترسک انرژی جایگزین تهدید می کردند که اگر نفت گران شود انرژی های دیگر، جایگزین خواهد شد و متأسفانه این

سال ۱۳۵۰ شمسی یک گروه از کارشناسان اوپک مأموریت یافتند تا قیمت ذاتی و یک بشکه نفت را محاسبه کنند. قیمت ذاتی و یک بشکه نفت در واقع قیمتی است که در مقایسه با دیگر انرژی ها مانند انرژی نورانی، انرژی برق آبی، انرژی اتمی، ژئوترمال و... به دست می آید. این گروه از کارشناسان اوپک به این نتیجه رسیدند که ارزش ذاتی یک بشکه نفت معادل ۷۵ دلار است و این در حالی بود که در سال ۱۳۵۰ یک اونس طلا معادل ۳۲ دلار بود، یعنی هر بشکه نفت ارزشی معادل ۷۷ گرم طلا داشت.

به نظر می رسد ما باید به روند انرژی جایگزین خوشامد بگوییم، چرا که نضت تمامی انرژی ها به جز انرژی خورشیدی و بادی پایان پذیرند از جمله نفت، گاز، ذغال سنگ، اورانیوم و... دوم، به جز انرژی خورشیدی و بادی انرژی ها آلاینده بوده و آلودگی محیط زیست را سبب می شوند سوم، به دلیل محاسبه ای که در سال ۱۳۵۰ در اوپک انجام گرفت،



نوشته زیبگنیو برژینسکی
منتشر شد
فرصتی دوباره
کتاب



نشر صمدیه

به زودی منتشر می کند:

رویدادها و داوری؛ اول بهمن ۱۳۴۰

خاطرات دکتر مسعود حجازی

(جلد دوم)